آخرین وضعیت پاساژ قائم پس از سوختن ۵۰۰ میلیارد سرمایه



شهرآرانیوز| ساعت ۱۳دقیقه بامداد سه شنبه، ۲۴تیرماه، آتش در پاساژ قائم ۱۷شهریور مشهد شعله ور شد. وجود اجناس سریع الاشتعال در این مرکز تجاری و فرسودگی ساختمان ازجمله دلایل گسترش سریع آتش در این مرکز خرید بود. برای مقابله با حریق ۲۵۰ آتش نشان و ۷۵ دستگاه خودرو از چندین ایستگاه به سوی محل حادثه رفتند و پس از یک ونیم روز توانستند آتش را مهار و خاموش کنند. این مرکز خرید از سال ۱۳۹۷ چهاربار اخطار ناایمنی گرفته بود و نام این پاساژ در شمار یکی از ۱۲۷بنای ناایمن شهر جای گرفته بود، با این حال هیچ اقدام مؤثری برای رفع خطر از بنا صورت نگرفت تا اینکه آتش بنا و سرمایه مردم را سوزاند. این پاساژ سال گذشته نیز سه بار طعمه حریق شده بود. واحدهای تجاری این مجموعه به دلیل ناایمنی، حتی امکان بیمه کردن کالاهای خود را نداشتند. نتیجه این بی توجهی دردناک، سوختن ۵۰۰میلیارد تومان سرمایه مردم بود؛ سرمایه ای که با آتش بی مبالاتی به خاکستر بدل شد و خاطره ای تلخ بر دل کسبه و خانواده ها برجا گذاشت.

سیدحسن حسینی، فرماندار مشهد در این خصوص گفت: ما برای پیگیری مشکلات کسبه جلسه ای در فرمانداری برگزار کردیم. طبق مصوبات این نشست، ابتدا آتش نشانی اقداماتی را که برای تعیین علت حادثه و شناسایی مقصر لازم است، باید انجام دهد. اتاق اصناف نیز موظف شد جلساتی باکسبه داشته باشد و راه های کمک و منابع تأمین کمک را اعلام کند. در حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله از بودجه بحران، تسهیلات بلاعوض داده می شود، اما در این مشکلات از طرف دولت کمکی نمی شود، مگر شرایط خاصی باشد. با این وجود ما تمام تلاش خود را می کنیم تا بتوانیم کمکی بگیریم.

مدیرعامل سازمان آتش نشانی مشهد در اینباره اظهار کرد: کار تخصصی مرتبط با سازمان آتش نشانی روی زمین نمانده است که انجام نشده باشد. همکاران ما در حال بررسی علت حادثه هستند که متعاقبا اعلام می شود. ما دستورالعمل پایش برای ساختمان های ناایمن داریم که وزارت کشور ابلاغ کرده است. در این دستورالعمل دو فرم شماره یک و ۲ داریم. فرم شماره یک سازمان نظام مهندسی از منظر سازه گسل و استحکام بنا اعلام نظر می کند و در فرم شماره ۲ آتش نشانی درخصوص وضعیت معماری یعنی راه های خروج، به علاوه سامانه های اعلام و اطفا اظهارنظر می کند.

حمیدرضا کافی نیا افزود: این دو فرم درنهایت به اداره کل راه و شهرسازی می رود. ما دو سال پیش، فرم شماره ۲ را برای مجتمع قائم به عنوان یک ساختمان دارای نقص ایمنی، تکمیل کردیم و از سال ۹۷ تاکنون چهار اخطار داده ایم که باید زودتر ایمن شود. اختیارات ما در همین حد بود. این مجتمع همچنین در سال گذشته سه حریق داشته، بنابراین وضعیت آن شفاف است.

رئیس اتحادیه لوازم بهداشتی و آرایشی مشهد که بیشتر باکسبه این پاساژ در ارتباط است، درخصوص وضعیت مالکان پاساژ پس از حادثه بیان کرد: هر کاری تاکنون برای کسبه انجام شده، هیئت امنای پاساژ و اتحادیه انجام داده اند. تقریبا ۱۸۰ مغازه در مجتمع قائم بوده که در هر مغازه حداقل سه، چهار نفر مشغول به کار بوده اند؛ این یعنی حدود هزار نفر به طور مستقیم و غیرمستقیم از این پاسار ارتزاق می کرده اند. در این آتش سوزی، حدود ۵۰۰ میلیارد تومان جنس داخل پاساژ بوده که از بین رفته است. ارزش سرقفلی مغازه ها نیز از ۱۲ تا ۳۰ میلیارد تومان است. با این وجود فقط تعداد اندکی ازکسبه که در شرکت های بیمه آشنا داشتند، توانسته بودند مغازه خود را بیمه کنند. به دلیل ناایمن بودن سازه، شرکت ها این واحدهای تجاری را بیمه نمی کردند و به تعداد اندکی که بیمه داشتند، نیز گفته شده است که چون خسارت زیاد بوده، حتما باید از سمت تهران کارشناس بیاید.

محمدجواد فرزانه ادامه داد: بیشتر این کسبه مستأجر بودند و اجناسی هم که سوخته، به صورت چکی خریده اند. الان تعدادی خرج روزانه خود را هم ندارند و به دنبال فروش وسایل منازل خود هستند تا بتوانند کرایه خانه هایشان را بدهند. مالک مغازه ها نیز دنبال اجاره مغازه خود هستند، همچنین چکی که کسبه داده اند، توسط صاحب چک خرج شده است. ما از بانک ها درخواست کردیم که چک ها را برگشت نزنند، اما آن ها می گویند اجازه چنین کاری را ندارند.

وی در ادامه با اشاره به وجود دو مجتمع تجاری در ۱۷ شهریور ادامه داد: تنها کاری که ما در اتحادیه توانستیم انجام دهیم، این بود که با دو مجتمع در منطقه ۱۷ شهریور که هرکدام سی تا چهل واحد خالی دارند، صحبت کردیم و به زودی قراردادی می بندیم تا این کسبه فعلا به مدت ۵، ۶ماه رایگان در آنجا مشغول بشوند. برای کسبه ای که دارای اعتبار بودند، نیز به شرکت ها تأییدیه دادیم تا برای آن ها جنس بفرستند و بعد از سه، چهار ماه تسویه کنند. برای افرادی هم که دارای اعتبار نبودند، نمی توانیم ضمانت کنیم.

فرزانه تصریح کرد: تا همین الان که با شما صحبت می کنم، یک نفر به من زنگ نزده تا ابراز تأسف یا همدردی کند. اگر نامه نگاری انجام شده، من خودم از سمت اتحادیه به جناب دادستان، دادگستری، اتاق اصناف، بیمه ها و بانک ها نامه زدهام، اما هیچ کدام پاسخی ندادند؛ البته تا علت آتش سوزی توسط آتش نشانی مشخص نشود، فعلا هیچ اظهارنظر و کمکی از هیچ دستگاهی نمی شود.

شهرآرا
۲شنبه
۶ مرداد ۱۴۰۴
۳ صفر ۱۴۴۷
شماره ۴۵۴۰
SHAHRARANEWS.IR

متهم پرونده پدرکشی در بازسازی صحنه جنایت:

کشتن پدرم، آخرین راهکار بود

محمدجواد ابوعطا

گزارش

صبح جمعه گذشته با اعلام قتل مردی هفتادوچهارساله به دست پسرش در مشهد، تیم جنایی باهدایت وراهنمایی قاضی صادق صفری، بازپرس جنایی، به محل اعزام شدند. با حضور بازپرس ویژه قتل وکارآگاهان پلیس آگاهی، آن ها متوجه گریختن قاتل شدند وازسویی مشخص شد که قاتل در نقطه ای نامشخص، قصد خودکشی دارد. تیم جنایی با استفاده از تجربه خود و همچنین کمک گرفتن از برادر قاتل دست به کار شدند تا این جوان چهل ودوساله را سر عقل بیاورند. نتیجه این اقدام حرفه ای سبب شد غروب همان روز متهم به قتل در روستای اندرخ، شناسایی و پیش از هر اقدامی خلع سلاح و دستگیر شود. دیروز متهم با انتقال به محل وقوع جنایت برابر دوربین قوه قضاییه، صحنه قتل را بازسازی کرد.

محسن (متهم به قتل) در حالی به صحنه جرم منتقل شده بود که هیچ اثری از پشیمانی در چهره نداشت و در تمام لحظات بازسازی صحنه قتل، لبخند به لب داشت، تا جایی که حتی در پاسخ به این سؤال بازپرس جنایی که «آیا از این جنایت پشیمانی هستی؟» با خنده گفت: «پشیمانم، ولی اتفاقی است که افتاده است».

متهم درباره اختلاف با پدرش مدعی شد: اختلاف ما سر طلاهای مادر خدابیامرزم بود که پدرم حاضر نبود آن ها را بین ورثه تقسیم کند. او طلاها را به هیچ کدام از فرزندان نداده بود و فقط مقداری به برادر بزرگ ترم داده بود. البته مقداری از طلاها را به عمو و عمه ام فروخته بود تا بگوید طلاها همین ها بوده است. اما آن خفتی بزرگ (گردن بند) و دست بند بزرگی که کل ساعد دست را می پوشاند، به ما نداده بود. ما اختلاف دیگری نداشتیم و فقط برای ارثیه آمده بودم.

محسن درباره اینکه چرا صبح زود و روز جمعه را برای این جنایت انتخاب کرده است، توضیح داد: همسرم سه روز بود که ول کرده و رفته بود. من برای هزینه خورد و خوراکم هم مانده بودم. سه شب بود نخوابیده بودم، ساعت ۶ صبح بود که به پدرم زنگ زدم و گفتم موضوع طلاها را ردیف کن که جواب سربالا داد. به او گفتم: «جونت مهم تر است یا پول؟» وقتی گفت که پول برایش مهم تر است، من هم اسلحه شکاری را برداشتم و سوار پاترولم شدم و به اینجا آمدم. اینجا محله قدیمی ماست و از بچگی همین جا بزرگ شده ام.



عکس: محسن یخشنده | شهرآرا

اول نیسان را هدف گرفتم

متهم به قتل درباره اتفاق هایی که جلوی خانه پدرش افتاده بود، اعتراف کرد: وقتی رسیدم، اول با همان پاترول شش سیلندری که داشتم، دنده عقب گرفتم و به نیسان وانت پدرم کوبیدم، بعد ماشینم را جلوی در پارک کردم و با اسلحه داخل پیاده رو رفتم. با یک لگد در را باز کردم که قفلش خراب بود و راحت باز شد. از کنار پنجره ای که سال ها قبل پدرم روی سر برادرم آب جوش ریخته بود، رد شدم و رفتم داخل روی پله ها. تفنگ هم دستم بود ولی هنوز گلوله نگذاشته بودم. داد زدم و گفتم: «در را باز کن»، گفت: «باز نمی کنم، هر کار می خواهی بکن.». اینجا گلوله در اسلحه گذاشتم و گفتم: «می کشمت» که جواب داد: «تو می کشی یا من؟» چون او هم اسلحه داشت. لای در را کمی باز کرده بود که صحبت کنیم. از همان لای در یک گلوله به سمتش شلیک کردم که بلافاصله در بسته شد. بعد زنش شروع به داد و فریاد کرد. ترسیدم که اسلحه دولول دست او باشد؛ برای همین به سمت در شلیک کردم تا او فرصت نکند به من تیراندازی کند، بعد هم از پله ها پایین رفتم و فرار کردم.

می خواستم بترسانمش

محسن در حالی مدعی است که فقط برای ترساندن پدرش به محل رفته است که در پاسخ به اینکه چرا تیر هوایی شلیک نکرده یا به در و دیوار نزده است، مدعی شد: چیزی نمی فهمیدم، حتی پدرم را هدف نگرفتم؛ چون می ترسیدم که او شلیک کند؛ برای همین فقط شلیک کردم و گریختم. حتی وقتی برادرم زنگ زد وگفت که «بیا خودت را معرفی کن، بابا حالش خوب می شود»، چون نمی خواستم دستگیر شوم، گفتم که می دانم کار بابا تمام است.

این متهم در پاسخ به اینکه آیا قبلا از این اسلحه استفاده کرده و روز حادثه چند گلوله داشته است، بیان کرد: بله؛ شلیک کرده ام ولی حیوان نمی زدم و هدف می زدم. پنج گلوله همراهم بود و ۱۰تا هم در ماشین داشتم.

اگر همسرم زنگ نمی زد، خودم را خلاص می کردم

محسن درباره اتفاقات بعد از فرار گفت: از اینجا به کمربند سبز رفتم، می خواستم از سمت ماریان به کوهستان بروم و آنجا خودم را خلاص کنم که همسرم زنگ زد که با دخترم گریه می کردند و گفتند خودم را نکشم. بعد هم پلیس زنگ زد و گفتند که کمکم می کنند؛ برای همین خودم را نکشتم. البته سه سال قبل هم می خواستم خودکشی کنم که مدتی در بیمارستان ابن سینا بستری بودم و حالا هم با تجویز پزشک قرص می خورم. روز حادثه هم قرص زیادی خورده بودم.

متهم به این سؤال بازپرس جنایی که آیا راه حل دیگری نداشتی که مشکل را حل کنی و چرا شکایت حقوقی نکردی، پاسخ داد: کشتن پدرم آخرین راهکار بود. چون همه با او صحبت کرده بودیم و به جایی نرسیده بودیم. من توان حقوقی نداشتم که شکایت کنم؛ یعنی هر روز بروم دادگاه و پیگیری کنم؛ در یکی از شرکت های صنعتی معروف مشهد قبلا راننده تریلی بودم و حالا به خاطر بیماری ام جارو می کشم، آنجا هم به من مرخصی نمی دادند تا برای پیگیری بروم.

محسن درباره اینکه چرا قبل حضور در محل، پلاک های خودرویش را کنده بود، بیان کرد: سپر ماشینم از مدتی قبل کنده شده بود؛ برای همین پلاک جلو را پشت شیشه گذاشته بودم که موقع ضربه زدن به نیسان، زیر صندلی افتاده بود. در ادامه، کارشناس سلاح نیز با اعلام اینکه اسلحه استفاده شده در این جنایت، سلاح شکاری تک لول است که بیشتر برای شکار پرنده ها استفاده می شود، توضیح داد که با توجه به نوع سلاح و اظهارات متهم و معاینات جسد که از فاصله زیر ۱/۵ متر شلیک شده است، اظهارات متهم با واقعیت همخوانی دارد.

دزدی سنگین از یک خانه با ضریب امنیت پایین

حادثه داغ

جلائیان| هنوز مشخص نیست این سه نفر چطور از ثروت مرد تاجر اطلاع پیدا کرده بودند؛ ثروتی که او بخشی از آن را در یکی از اتاق های خانه اش نگهداری می کرد. شنیدن وصف چند هزار دلار ارز در خانه این مرد، کافی بود تا دو مرد جوان به همراه یک زن، نقشه دزدی از تاجر را طراحی و اجرا کنند. با توجه به تجربیات یکی از متهمان در سرقت و زندان، آن ها عجله نکردند و برای پیدا کردن یک فرصت مناسب، این مرد و خانه اش را زیرنظر گرفتند؛ انتظاری که نتیجه داد و اعضای این باند، پس از خروج تاجر و خانواده اش از منزل، وارد خانه آن ها شدند. مرد تاجر پس از بازگشت به خانه با دیدن در باز ورودی ساختمان، متوجه ورود افرادی به خانه اش شد. تاجر پس از ورود به منزل، ابتدا با دیدن وسایل منزل کمی آرام گرفت، اما با مشاهده در شکسته اتاق و به هم ریختن وسایل آن، متوجه دزدی سنگین از خانه اش شد. او بلافاصله در تماس با پلیس، خبر سرقت را داد.

این تاجر در گزارش خود گفت که از خانه اش ۴ هزار دلار آمریکا، ۸ هزار و ۵۰۰ دینار عراقی و هفت انگشتر نفیس دزدیده شده است. پیگیری سرقت از این خانه ویلایی به تیمی از کارآگاهان دایره مبارزه با سرقت منزل سپرده شد. کارآگاهان در بدو ورود به اثربرداری دقیق از خانه و اتاق مدنظر پرداختند و تحقیقات میدانی را آغاز کردند؛ تحقیقاتی که نشان داد سه متهم در نبود ساکنان خانه، وارد آن شده اند؛ متهمانی که تیم تحقیق توانست با استفاده از تجهیزات نوین پلیس و اعلام نتایج اثربرداری از محل به هویت یکی از آن ها دست پیدا کند. بررسی سوابق این متهم نشان داد که او یک سارق سابقه دار است و پیش از این، بارها به اتهامات مختلف دستگیر شده است و جرایم متعددی در کارنامه دارد.

با به دست آمدن هویت متهم، خیلی زود مخفیگاهش در منطقه توس ردزنی شد. پس از تأیید حضور متهم در این محل، مأموران با هماهنگی مقام قضایی در یک عملیات ضربتی او را دستگیر و بخشی از اموال مسروقه را کشف کردند. با وجود اینکه بخشی از اموال مسروقه از خانه متهم به دست آمده بود، او منکر هرگونه جرمی بود، اما وقتی شنید که با این سرقت را به تنهایی باید بر دوش بکشد، از یک زن و مرد به عنوان متهمان اصلی نام برد؛ متهمانی که پلیس پس از هماهنگی با مقام قضایی آن ها را دستگیر کرد و بخش دیگری از اموال مسروقه را از این دو متهم کشف کرد. متهمان پس از انتقال به پلیس آگاهی ضمن اعتراف به این سرقت اعتراف کردند که بخشی از اموال مسروقه را در یک بازه زمانی کوتاه خرج کرده اند. هر سه متهم برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شدند.

روی خط حادثه

سقوط مرگ بار کارگر به چاله آسانسور

جلائیان| سقوط کارگران ساختمانی در چاله آسانسور سال گذشته آن قدر زیاد بود که بسیاری از رسانه ها به طور مستمر به این موضوع پرداختند. کارگرانی مانند کارگر پنجاه ساله ای که دیروز پس از سقوط در چاله آسانسور در غرب مشهد جانش را از دست داد. کارگری که حین کار به دلایلی نامشخص در چاله یک آسانسور سقوط کرد. دقایقی پس از این سقوط به دنبال تماس کارگران، امدادگران اورژانس راهی محل شدند. حضوری که بی نتیجه بود و کارگر میان سال پیش از حضور امدادگران جان باخته بود.

دستگیری ۲ ساقی؛ از گوشه خیابان و خانه

بخشنده| چند وقتی بود که مأموران کلانتری میرزاکوچک خان با توجه به اشراف اطلاعاتی خود به یک جوان مظنون شده بودند. مأموران می دانستند که او خرده فروش مواد مخدر است اما چندباری که اقدام به دستگیری این فرد کرده بودند، او توانسته بود به شکلی خود را فراری بدهد. این جوان فکر می کرد توانسته از مجازات و رسیدن به سزای اعمالش در برود و دوباره کارش را از سر گرفته بود. آن هم در شرایطی که نمی دانست در رصد اطلاعاتی پلیس است. لحظاتی پس از حضور این خرده فروش جوان، مأموران که منتظر حضورش بودند، با هماهنگی مقام قضایی در یک اقدام ضربتی به سراغ او که در حال فروش هروئین به چند جوان دیگر بود، رفتند و دستگیرش کردند. مأموران در بازرسی بدنی متهم، موفق به کشف ۲۰۰ بسته مواد مخدر حاوی هروئین شدند. با کشف این مواد، متهم که پیش از این چندبار توانسته بود از اتهاماتش تبرئه شود، این بار با دست پر به مراجع قضایی معرفی شد. هم زمان با این پرونده، مأموران کلانتری معراج نیز پس از شنیدن اخباری درخصوص فروش مواد مخدر در یک واحد مسکونی، این خانه را در بولوار شاهنامه زیرنظر گرفتند. مأموران با کنترل نامحسوس محل و اطمینان از صحت گزارش مردمی با هماهنگی مقام قضایی در اقدامی ضربتی، ضمن دستگیری متهم از مخفیگاه او بیش از ۴ هزار عدد قرص مخدر غیرمجاز به همراه مقادیری تریاک و هروئین کشف کردند.

جدول ۴۳۳۷

